



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طور می باشد یعنی درست است که هم به معنی خریدن و هم به معنی فروختن می باشد ولی فعلاً در خریدن شایع است و در قرآن کریم نیز در هرجایی که بکار رفته به معنی فروختن می باشد مثل آیه شریفه: « و شروه بثمانٍ بخسٍ دراهم معدودة » و آیه شریفه: « ومن الناس من يشرى نفسه ابتغاء مرضاة الله ».

سید فقیه یزدی در حاشیه مکاسب می فرماید: بیع و شراء از اُضداد نیستند بلکه هردوی آنها مشترک معنوی می باشند یعنی بیع یک معنای واحد وسیع و عامی دارد که شامل خریدن و فروختن نیز می شود به عبارت دیگر بیع یعنی کُلُّ من أخذ شيئاً و أعطى شيئاً آخر مثل لفظ انسان که به زید و بکر و عمر اطلاق می شود و قاموس نیز بیع را همین طور معنی کرده و اما غیر از ایشان قائلند که بیع و شراء از اُضداد هستند، خلاصه اینکه لفظ بیع ظهور فعلی عرفی در فروختن دارد و لفظ شراء نیز ظهور فعلی عرفی در خریدن دارد و ما تابع عرف هستیم یعنی تابع هر معنایی که در عرف ظهور فعلی دارد می باشیم.

بحث دیگر این است که عربیت لازم نیست زیرا اسلام برای همه است و این معاملات قبلاً بوده اند و حالا هم هستند و بعداً هم خواهند بود و هرکسی به زبان و اصطلاح خودش می تواند صیغه عقد جاری کند و حتی می تواند معاملاتش را معاطاتاً انجام بدهد و مستند ما بر این مطلب همان اطلاقات أدله صحت معاملات است که شامل تمامی لغات می شود البته نکاح و طلاق استثناء شده اند و در آنها لفظ لازم است.

(حضرت امام(ره) فرموده اگر انسان لفظی را غلط تلفظ کند به شرطی که معیّر معنی نباشد اشکال ندارد بخلاف عبادات مثل نماز که در آن غلط به هر نحوی مضرّ می باشد).

حضرت امام(ره) در ص ۳۲۵ از جلد اول کتاب بیعشان بحث دیگری را مطرح کرده اند که بسیار مهم می باشد و آن اینکه ایشان فرموده اند متعارف بین مردم این است که عقد را با ایجاب و قبول ایجاد می کنند لکن این دلیل بر این نیست که ما بگوئیم تقوّم عقد به ایجاب و قبول می باشد بلکه ایجاب به تنهایی کافی است و قوام عقد به آن می باشد زیرا عقد یعنی إنشاء و ایجاد آن چیزی که انسان قصد کرده و متعهد شده که این با ایجاب حاصل

شیخ اعظم انصاری(ره) فرمودند که درباره الفاظ از سه مقام بحث می شود؛ اول از جهت موادی که بکار برده می شود و اینکه آیا صراحت دارند یا ظهور؟ و یا حقیقت هستند یا مجاز یا کنایه؟. دوم باید بحث شود از جهت اینکه آیا ایجاب و قبول باید جمله فعلیه ماضویه باشد یا اینکه جمله اسمیه نیز کافی است؟. سوم اینکه باید از جهت ترتیب و موالات بین ایجاب و قبول بحث شود.

بحث دیگری که شیخ انصاری(ره) مطرح کرده در مورد لفظ بیع و شراء می باشد، ایشان می فرماید که لفظ بیع و لفظ شراء هردو از اُضداد هستند و مشترک لفظی می باشند یعنی هردوی آنها هم برای خریدن و هم برای فروختن وضع شده اند و صاحب جواهر نیز در ص ۲۴۴ از جلد ۲۲ جواهر همین را فرموده.

مشترک لفظی در جایی است که یک لفظی با تعدد وضع برای چند معنی وضع شده باشد که این خود بر دو قسم است؛ غیر اُضداد و اُضداد، و اما غیر اُضداد مثل لفظ عین که مشترک لفظی است برای عین باکیه و عین جاریه که تضادی بین آنها وجود ندارد اما اگر مشترک لفظی برای دو معنای متضاد وضع شود به آن اُضداد می گویند مثل لفظ قُرء که هم به حیض و هم به طهر گفته می شود و مانحن فیه نیز از این قبیل می باشد یعنی لفظ بعث و لفظ شریعت هردو هم به معنی فروختن و هم به معنی خریدن می باشند.

شیخ انصاری(ره) در ادامه فرموده: درست است که لفظ بیع از اُضداد است و هم به فروختن و هم به خریدن گفته می شود اما استعمالات شایع در همان فروختن می باشد و در قرآن کریم نیز به معنای فروختن بکار رفته است مثل آیه شریفه: « فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به » لذا نمی توانیم آن را در خریدن بکار ببریم زیرا ما تابع ظهور فعلی الفاظ هستیم، و اما شراء نیز همین

عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ لَمَّا أَرَادَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْ يَتَزَوَّجَ خَدِيجَةَ بِنْتَ خُوَيْلِدٍ أَقْبَلَ أَبُو طَالِبٍ ثُمَّ ذَكَرَ خَطْبَتَهُ إِلَيْهِ أَنْ قَالَ فَقَالَتْ خَدِيجَةُ قَدْ زَوَّجْتُكَ يَا مُحَمَّدُ نَفْسِي وَالْمَهْرُ عَلَيَّ فِي مَالِي الْحَدِيثَ . در این خبر نیز لفظ قبلت ذکر نشده .

خبر ۱۰ از باب ۱ این خبر است : « مُحَمَّدٌ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنِ الْمُتْعَةِ كَيْفَ أَتَزَوَّجُهَا وَ مَا أَقُولُ قَالَ تَقُولُ لَهَا أَتَزَوَّجُكَ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ كَذَا وَ كَذَا شَهْرًا بِكَذَا وَ كَذَا دَرَاهِمًا الْحَدِيثَ . در این روایت نیز لفظ قبلت ذکر نشده ، خلاصه اینکه حضرت امام (ره) حرف جدیدی زده و آن اینکه ایشان از روایات مذکور استفاده کرده که تقوم عقد تنها به ایجاب است و دیگر قبول لازم نیست بلکه هر چیزی که حاکی از رضایت طرف دیگر باشد کافی است ، این بحث را مطالعه کنید تا فردا آن را ادامه بدهیم إن شاء الله ...

والحمد لله رب العالمين اولاً و آخراً و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

می شود و دیگر قبول لازم نیست بلکه فعل یا قولی که حاکی از رضا باشد کافی است و لازم نیست که حتماً قبلت بگوید بنابراین عقد فقط ایجاب به تنهایی می باشد .

حضرت امام (ره) در اینجا چندین روایت را ذکر کرده که دلالت دارند بر اینکه عقد همان ایجاب به تنهایی می باشد ، اولین روایتی که ایشان ذکر کرده خبر ۱ از باب ۲ از ابواب المهور می باشد که در کتاب النکاح جلد ۱۵ و مسائل ۲۰ جلدی ص ۳ واقع شده است ، خبر این است : « مُحَمَّدٌ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ جَاءَتْ امْرَأَةٌ إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَتْ زَوَّجْنِي فَقَالَ مَنْ لِهَذِهِ فَقَامَ رَجُلٌ فَقَالَ أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ مَا تُعْطِيهَا قَالَ مَا لِي شَيْءٌ إِلَيَّ أَنْ قَالَ فَقَالَ أَوْ تُحْسِنُ شَيْئًا مِنَ الْقُرْآنِ قَالَ نَعَمْ قَالَ قَدْ زَوَّجْتُكَهَا عَلَى مَا تُحْسِنُ مِنَ الْقُرْآنِ فَعَلَّمَهَا إِيَّاهُ . » . خبر سنداً صحیح می باشد و همانطور که می بینید با جمله زَوَّجْتُكَهَا عقد تمام شده و دیگر لفظی به عنوان قبول ذکر نشده .

اخبار ۳ و ۶ و ۹ و ۱۰ از باب ۱ از ابواب عقد النکاح که در ص ۱۹۴ از جلد ۱۴ و مسائل ۲۰ جلدی واقع شده اند نیز بر این مطلب دلالت دارند ، و اما خبر ۳ همان خبر ۱ از باب ۲ از ابواب المهور است که خواندیم .

خبر ۶ از باب ۱ این خبر است : « وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ يُوسُفَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُوَيْدِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي لَيْلَى عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ جَمِيلٍ عَنْ زُهَيْرٍ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنْ (عَاصِمِ بْنِ ضَمْرَةَ) عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ أَنَّهُ قَالَ لِلْمَرْأَةِ أَلَيْكَ وَلِيٌّ قَالَتْ نَعَمْ هُوَ لِي إِخْوَتِي فَقَالَ لَهُمْ أَمْرِي فِيكُمْ وَ فِي أَخْتِكُمْ جَائِزٌ قَالُوا نَعَمْ فَقَالَ عَلِيُّ (ع) أَشْهَدُ اللَّهَ وَ أَشْهَدُ مَنْ حَضَرَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ أَنِّي قَدْ زَوَّجْتُ هَذِهِ الْجَارِيَةَ مِنْ هَذَا الْعُلَامِ بِأَرْبَعِمِائَةِ دَرَاهِمٍ وَ النَّقْدُ مِنْ مَالِي . » . همانطور که می بینید در این خبر نیز با لفظ زَوَّجْتُ امیر المؤمنین عقد تمام شده و دیگر قبلت از طرف آن زن گفته نشده .

خبر ۹ از باب ۱ این خبر است : « وَعَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي